

آمیولانس

داستان آموزنده‌گونی سبب‌زمینی



► **پوریا عالمی**

• یکی بود یکی نبود. کامیونی که داشت از سر مزرعه می‌آمد، افتاد توی دست‌انداز و یک گونی سیب‌زمینی افتاد پایین. سیب‌زمینی‌ها که عادت داشتند با هم حرف بزنند اما با هم حرف نزنند، با هم گفتند: واو. حالا چی‌کار کنیم؟ سیب‌زمینی‌ها پشت کامیون. الان افتادیم زمین. مهم این است که افتادیم. جاش مهم نیست. چندتا از سیب‌زمینی‌ها گفتند: وای. نه نه. ما می‌خواستیم پیشرفت کنیم و برویم کارخانه و تبدیل به چیس شویم. باقی سیب‌زمینی‌ها گفتند: ووی ووی. شما هم سختگیری‌ها. سیب‌زمینی چه چیس بشود چه کوکو فرقی ندارد. مهم این است که ما تحت هر شرایطی خاصیت سیب‌زمینی‌بودنمان را حفظ کنیم. یک سیب‌زمینی اخلاقی گفت: من دوست داشتم خلال سیب‌زمینی بشوم. اما متأسفانه سیب‌زمینی رگ ندارد و من نمی‌توانم اعتراض کنم. باقی سیب‌زمینی‌ها گفتند: آدم رگ داشته باشد عقل نباید داشته باشد؟ بشین سر جات. صدایش را درنیار. سیب‌زمینی اخلاقی گفت: من باید خلال شوم. یا خلال می‌شوم یا محل آسایش همه می‌شوم. سیب‌زمینی‌ها گفتند: تو هم حساسی‌ها. آدم در خلال سیب‌زمینی‌ها بماند بهتر از این است که خلال سیب‌زمینی بشود و از تیم جدا شود. چندتا از سیب‌زمینی‌هایی که اعلام استقلال کرده بودند و خودشان را اپوزیسیون معرفی می‌کردند، گفتند: ما معتقدیم سیب‌زمینی در بالاترین درجه زندگی‌اش باید تبدیل به ته‌دیگ سیب‌زمینی بشود و زیر ماکارونی قرار بگیرد. اینکه ما الان به‌عنوان سیب‌زمینی‌های نخبه با شما سیب‌زمینی‌های پخمه در یک گونی هستیم و شما کنار مایید، مایه تأسف است. توی همین وانفسا آمیولانس چی دید یک گونی افتاده گوشه خیابان. زد کنار و گونی سیب‌زمینی را انداخت پشت آمیولانس و راه افتاد که برود توی افق گم بشود. سیب‌زمینی‌ها که عادت داشتند با هم حرف بزنند اما با هم حرف نزنند، با هم گفتند: واو. حالا چی‌کار کنیم؟ سیب‌زمینی‌ها گفتند: هیچی. چه فرقی می‌کند؟ ما افتاده بودیم پشت کامیون. بدش افتادیم گوشه خیابان. الان هم افتادیم گوشه آمیولانس. مهم این است که افتادیم. جاش مهم نیست.

شرق روزنامه

www.sharghdaily.ir

شنبه ۶ دی ۱۳۹۳ • ۴ ربیع‌الاول ۱۴۳۶ • ۲۷ دسامبر ۲۰۱۴ • سال دوازدهم • شماره ۲۱۹۵ • ۲۰صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۵ • اذان مغرب ۱۷:۱۸ • اذان صبح‌فردا ۵:۴۳ • طلوع آفتاب ۷:۱۳

روزنامه‌فردا

fardashargh@gmail.com

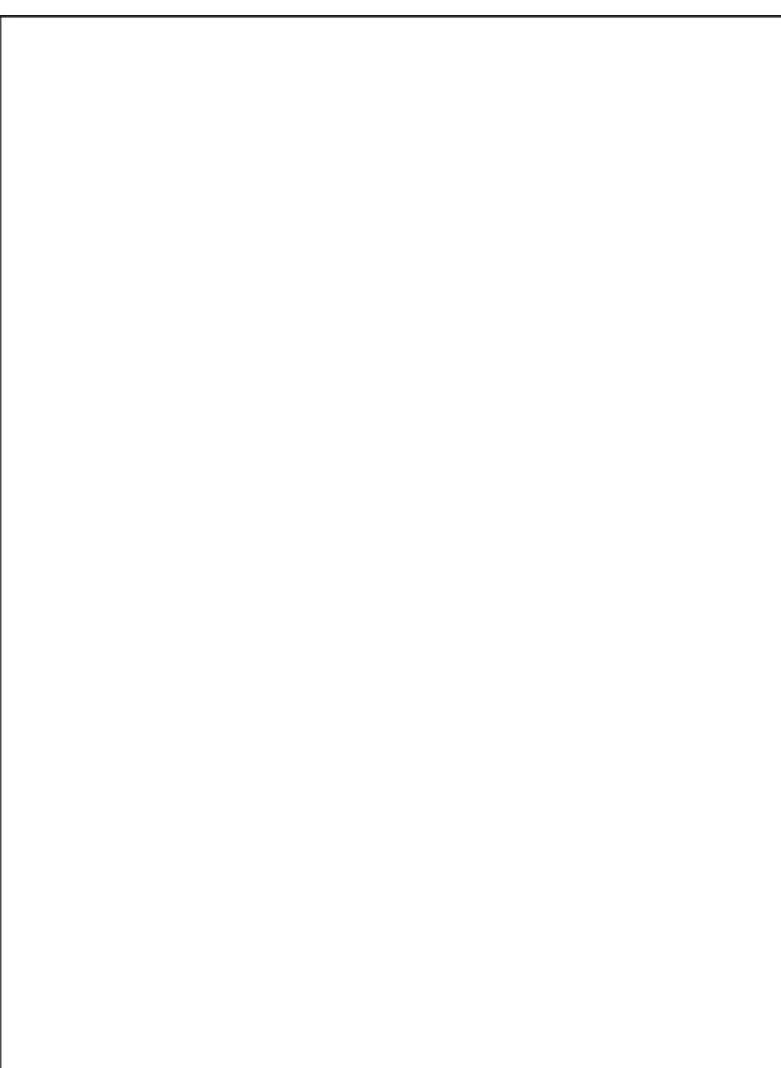
کارتون خواب



► **ساسان خادم**

سالی ۱۶۰ هزار طلاق در ایران ثبت می‌شود

خروج



► **احمد پورنجاتی**



هر آدم عاقلی می‌داند که کتاب، یک «موجود عجیب‌الخلقه»ی بی‌مصرف و پرافاده‌ای است که نگو و نپرس. تنها کاربردی که دارد این است که به درد خواندن می‌خورد و چیزی فهمیدن. همین! مهم نیست که با چه انگیزه‌ای و برای چه نتیجه‌ای. مهم این است که کتاب، خواهی‌نخواهی و معمولا بدون اجازه و هماهنگی خواننده‌اش، کارهایی با آدم می‌کند که گاه کلی بر سرنوشت بشریت تأثیر می‌گذارد و نکته جالب قضیه اینجاست که این موجود «آب زیرکاه»، اصلا و ابدا به روی خودش هم نمی‌آورد که چه بلایی سر آدم‌ها در طول تاریخ و عرض جغرافیا آورده! کم بلایی نیست، افزایش فهم و آگاهی و بالارفتن شاخک‌های حسّی و پایین‌آمدن آستانه تحریک و کنج‌آوری انسان در برابر آنچه دوروبرش می‌گذرد. کاری می‌کند این «مظلوم‌نما»



► **بابک زمانی**
متخصص مغز و اعصاب

طبابت و درمان مشاهیر، اعم از هنرمندان و سایر نخبگان، طبیب، بیمار و همراهان را در موقعیتی خاص با اخلاقیات و ظرافتی مخصوص به‌خود درگیر می‌کند. بنده به جهت مدت و کثرت اشتغال به این مهم بارها خود را در اداره این موقعیات با مشکلاتی چند، رودررو دیده‌ام که بسیاری از این مسایل جنبه عام داشته و مطرح‌کردن آنها حتی بدون راه‌حلی شاید در جهت تنویر برخی نکات اخلاقی خاصی که لازمه اخلاقیات مدرن است، بی‌فایده نباشد. مهم‌ترین نکته آنکه مشاهیر هم در هنگام رویارویی با بیماری، انسانند و در لحظاتی که وجوه عمیقاً انسانی آنها تنهاوتنها با بیماری روبه‌روست، نیازمند آنند که چون یک انسان مورد توجه قرار بگیرند نه چوان یک هنرمند یا یک سیاستمدار! اما بزرگ‌ترین مشکل در این لحظات دشوار، سایه سنگین عمری فعالیت فوق‌العاده است که حالا بر این وجود به‌شدت‌انسانی سایه انداخته و سدی است میان او با خودش، با طبیب و تیم معالجش و خانواده و مردم و دوستداران. برای ایشان شهرت، آن شیء لذت‌بخشی که جوانان را می‌فرید، نیست؛ ابتلائی چندین‌ساله است که از آن گریزی

پاسخ به فراخوان

سررسید بیش از کتاب «کاربرد» دارد، به یک شرط البته!

کتاب) که آدم، تبدیل می‌شود به یک فضول‌باشی که تا از ته‌وتوی هرچیزی سر درنیآورد، ول کن ماجرا نیست! با این وصف، خودش را با هزار ادا و اطوار، در پوشش «رمان و شعر و ادبیات و دانش و فلسفه و آداب و اخلاق اجتماعی و مدنی و هزار نقش دیگر»، در دل انسان جا می‌کند به‌عنوان «یار مهربان»!

کاربرد دیگری جز این مزاحمت‌ها که اشاره کردم ندارد، «کتاب». نه می‌شود از آن به‌عنوان چرکنویس (یا پیش‌نویس) استفاده کرد، نه حتی قد و قواره‌اش به درد خمیر‌کردن و مقواسازی می‌خورد (مگر مشمول لطف ممیز شده باشد) و نه حتی می‌توان روی هم گذاشت و به‌جای چارپایه از آن استفاده کرد یا برای سرگرمی نونهالان بازیگوش، جلوی آنان گذاشت که با مداد رنگی، خط‌خطی‌اش کنند تا مادر به کارش برسد.

از همه مهم‌تر اینکه هیچ خاصیتی برای «هدیه‌دان» ندارد. کتاب هم شد «کادو»؟! به‌جای ایجاد حس سیاسگزاری و خرسندی در وجود مبارک آن کس که هدیه‌اش می‌گیرد، ایجاد انزجار می‌کند. آنتی‌پاتیک است. بی‌خود نیست که بیشتر مردم،

آکادمی

طب و مشاهیر

بیمار معروف را اصلا به حساب نیآورد، ممکن است نوعی بی‌احترامی یا خشک‌اخلاق به نظر آید؛ پس باید راهی در این میانه یافت!

مساله مهم دیگر در مورد این بیماران مساله «اسرار» است. طبیبان علی‌القاعده جزئیات بیماری بیماران معمول را به‌خاطر نمی‌سپرنند و دلیلی هم وجود ندارد که بخواهند اسرار بیماران را فاش کنند. اما در مورد مشاهیر، اولاً خوانان‌خواه این حافظه شکل می‌گیرد و ثانیاً عوامل بسیاری ممکن است باعث شوند که او درباره بیماراش صحبت کند: اول یک اشتیاق درونی مقاومت‌ناپذیر که من فلانی را دیدم! دوم مردم و خبرنگاران که مشتاق خبری از بیمار هستند. اینجا گاه حفظ اسرار و اخلاقیات آن، راهی باریک و پردغدغه می‌شود که باید بسیار مراقب آن بود. بسیاری از مواقع بیماری مشاهیر یک راز شخصی به‌نظر نمی‌رسد بلکه خود را چون رازی ملی یا گاه حتی بین‌المللی می‌نمایاند! مواجهه با این جاذبه‌های درونی و بیرونی کار دشواری است که باید راهی برای کنترل آنها یافت و مراقب بود تا در بیان خاطرات یا در مصاحبه با اصحاب رسانه، خصوصی‌ترین دقایق انسانی که در برابر مصایب شهری که سال‌ها بر دوش کشیده و به‌شدت آسیب‌پذیر است، مورد خنده قرار نگیرند!

پیشنهاد فردا

عبدالرسول شاکری، سعید رضوانی (دوست کافکا کیست؟)، محمد مالجو (نگرش دولت یازدهم به محیط‌زیست) و مهرداد فراهانی (منوچهر انور؛ از شور تا ماهور) ادامه پیدا می‌کند. بخش داستان دارای دوداستان است: «خواننده اپرا» از محمد بهارلو و «آن روز بعدازظهر» از بهومیل هرابال. به ترجمه پرویز دویایی. زندگینامه این شماره را به زنده‌یاد فرخی‌یزدی داده‌ایم.



• مصطفی کواکبیان، نماینده سابق مجلس و دبیرکل حزب مردمسالاری، در کتاب «چهارده سال سیاست صادقانه» مجموعه فعالیت‌های حزب مردمسالاری را مکتوب کرده است. این کتاب مجموعه‌ای از ۱۴سال سیاست‌ورزی حزب مردمسالاری است و تمرکز آن مباحث، بیشتر در دهه ۸۰ است. کتاب در سه بخش «گزارش کنگره‌های سراسری حزب مردمسالاری»، «مواضع، بیانیه‌ها، دیدگاه‌ها و اطلاعیه‌های حزب مردمسالاری» و «عملکردها، اقدامات، دیدارها، افطاری‌ها و اردوهای حزب مردمسالاری» تنظیم شده است. چاپ نخست این کتاب، نوشته مصطفی کواکبیان، در ۵۴۰ صفحه، شمارگان یک‌هزارو ۵۰۰ نسخه و بهای ۴۰هزارتومان از سوی انتشارات آشنایی چاپ و روانه بازار کتاب شد.

• عبدالمجید سودمندی کتاب «جنگ و صلح در اسلام» را تألیف کرده و در مقدمه این اثر می‌نویسد: «همان‌طور که می‌دانیم بسیاری از شرق‌شناسان و اسلام‌شناسان، اسلام را دین جنگ‌طلب معرفی کرده‌اند. مثلاً افرادی همچون «کارل بروکلمان»، مؤلف کتاب تاریخ ملل اسلامی و «میسونر کولی»، مؤلف کتاب بحث از آیین راستین و «ج. ایزاک»، مؤلف کتاب تاریخ تمدن و «منتسکیو»، مؤلف کتاب روح‌القوانین معتقدند اسلام دینی است که به زور شمشیر، ترویج و بر مردم تحمیل شده است. البته بسیاری از محققان معاصر شیعه با وجود اعتقاد به تشریع حکم جهاد ابتدایی و... می‌توان حکومت‌های غیراسلامی را به رسمیت شناخت و روابط بین‌المللی دوستانه‌ای با آنها برقرار کرد.» از همین روست که او این کتاب را تألیف کرده است تا به بررسی عقاید اسلامی مربوط به جنگ و صلح بپردازد. «جنگ و جهاد از نظر فقهای شیعه»، «جهاد اسلامی در قرآن و نظر مفسران شیعه»، «جهاد اسلامی در دوران حیات پیامبر اسلام (ص)»، «آیات صلح و اعراض از کفار و آیات معارض» و «جهاد ابتدایی در زمان معاصر» عناوین پنج‌گانه فصل‌های این کتاب را تشکیل می‌دهند.



خود من مدتها بود که می خواستم “هرودس و ماریامنه” را به اجرا در آورم بدیهی ست که صرفا به ارزش مصاحی آن فکر میکردم یعنی به واقعه زلخث آن و احتمالا با حذف پورده آخر “برشت”

شماره رزرو ۰۹۰۱۰۴۶۷۶۸۵
از ۲۴ آذر ۱۳۹۳/ ساعت ۱۸/ تالار حافظ

تیوال
www.tiwal.com

بانک ملت
bank mellat

همه‌ی ریسک شما در یک بانک معتبر، همین است.